

کتاب الادوار فی الموسیقی

تألیف

صفی الدین ابوالمفاخر عبدالؤمن بن یوسف بن فاخر اورمیه ای
(۶۱۳ - ۶۹۳ هـ . ق .)

بکوشش یحیی ذکا

جلد ۷ - مع علوم الشافی

فصل

در ادوار ایقاع بدانکه ایقاع جماعت تفراتی است که مابین این تفرات
زمانهائی است محدوده المقادیر از برای آن زمانها دورهائی است متساویات -
الکمیته بر اوضاع مخصوصه و طبع سلیم ادراک تساوی از من و ادوار خواهد
نمود و حاجت بمیزانی ندارد همچنانکه در ادراک ادوار شعر حاجت بمیزان
عروض ندارد بلکه هر که مجبول است بر سلامت طبع مدرك است بدون

رجوع بمیزانی و این غریزه نه اینست که حاصل باشد از برای کل بلکه حاصل
 است از برای بعضی دون بعضی چه بسیار اشخاصی که صاحب این غریزه نیستند
 و سعی و کوشش هم از برای ایشان حاصل نمیشود بلکه عمری صرف میکنند
 و حاصلی ندارد جز زحمت و تعب و کسب که این جبلت و سلامت فطرت از برای
 او نیست امر او منحصر باین فن نیست بلکه در سایر فنون و علوم سیمامعارف
 حقه و علوم الهیه محروم خواهد ماند و محشور خواهد بود با ابلیس نعوذ بالله
 من هذا الحرمان العظیم و ما الان بیان می کنیم اصول غنا و غوانین الحان
 را از اینکه غنا مرکب است از الحان و لحن مرکب است از نغمات و حدوث
 نغمات از نقرات و ایقاعات است و اصول ایقاعات حرکات و سکونات است
 چنانکه اشعار مرکب است از مصاربع و مصاربع مرکب است از مفاعیل و
 مفاعیل مرکب است از اسباب و اوتار و فواصل و بناء کل بر حروف متحرکات
 و سواکن است و نظیر بیجا ناله قوانین موسیقی با قوانین عروض اصل عروض
 را بیان میکنیم از اینکه عروض میزان شعر است که بآن مستوی و منزهف
 مشخص میشود و او هشت مقطع است که عبارت از فعلولن و مفاعیلن و متفاعلن
 و مستعلن و فاعلاتن و فاعلن و مفعولاتن و مفاعلتن باشد و این هشت مرکب
 از سه است که او سبب و وتد و فاصله است اما سبب عبارت از دو حرف است
 که يك متحرك باشد و دیگری ساکن مثل هل و بل و من و وتد سه حرف
 است که دو حرف متحرك باشد و يك ساکن مثل نعم و بلی و نحن و فاصله
 چهار حرف است سه متحرك و يك ساکن مثل جعلوا و فعلوا و اصل این ثلثه
 يك حرف ساکن و يك حرف متحرك است این اجمالی بود از قوانین عروض
 اما قوانین غنا و الحان او هم مبنی بر سه اصل است که سبب و وتد و فاصله
 است و مناسبترین حروفی که نقرات را بآن تعبیر کنند دو حرف طاء و نون
 است از برای آنکه هر چند برهم گردد زبان از تعبیر آن عاجز نیاید و هر چند
 عدد نقرات زاید گردد از او بنونات متوالیه مفتوحه تعبیر توان کرد اما سبب
 دو قسم است ثقیل و خفیف سبب ثقیل عبارت است از لفظی که مرکب باشد
 از دو حرف متحرك چون تَن و سبب خفیف لفظی است که مرکب باشد از دو حرف
 که اول متحرك بود و ثانی ساکن چون تَن و وتد هم دو قسم است مجموع
 مفروق و تد مجموع عبارتست از لفظی که مرکب بود از سه حرف که دو

و خفیف اول و ثقیل ثانی و خفیف ثانی و رَمَل و خفیف رمل و هزج و خفیف هزج و این هشت جنس اصل است و بر او متفرع میشود سایر انواع چنانکه هشت مقطع اصل بود در عروض و بر او متفرع میشود سایر دو ایر عروض پس میگوئیم ناچار است از اینکه مابین هر دو نقره از نقرات او تار و ایقاعات قضبان سکوتی باشد طویلا کان ام قصیراً و چنانکه متواتر باشد نقرات او تار و ایقاعات قضبان سکونات هم متواتر شده است و خالی از این نیست تا اینست که زمان سکونات مساوی است با زمان حرکات یا اطول است از زمان حرکات و اتفاقی اهل صنعت است که زمان حرکت ممکن نیست که اطول باشد از زمان سکونی که از جنس اوست پس چنانکه از زمان سکونات مساوی باشد با از زمان حرکات در طول و ممکن نباشد وقوع حرکت دیگری در این از زمان این گونه نغمات مسمی است بعمود اول و او است خفیفی که اخف از او امکان ندارد چرا که در این از زمان چنانکه حرکت دیگری واقع شود نغمه آن حرکت متصل شده است بنغمه نقره قبل از او و گردیده است جمیعاً صورت متصل و چنانکه طول از زمان سکونات بمقدار است که ممکن است وقوع حرکت دیگری مسمی است این گونه نغمات بعمود ثانی و خفیف ثانی و چنانکه از زمان سکونات اطول باشد بمقداریکه ممکن است اینکه واقع شود در آن از زمان دو حرکت مسمی است این گونه نغمات بثقیل اول و چنانکه این از زمان اطول از این باشد بمقداری که ممکن است اینکه واقع شود در آن از زمان سه حرکت مسمی است این نغمات بثقیل ثانی و چنانکه از زمان سکونات در مابین نقرات و ایقاعات زاید بر این مقدار باشد از طول خارج است از اصل و قانون و قیاس و ابعد است از اینکه اضراب کرده شود و تمیز بدهد آنرا قوه سمیه و سبب این است که اصوات در هوا زمان طویلی مکث نمیکند مگر با اندازه که سامع حظ خود را اخذ کند از طنین پس از این مضمحل میشود این اصوات از هوائیکه حامل اصوات است و مؤدی است بمسامع .

بقیه دارد